

سرمایه اجتماعی در نظر اول شاید توجیهی برای ندیدن تغییرات ملموس در اقتصاد مملکت باشد اما موضوع مردم و همراهی آنها از این جهت دارای اهمیت می‌شود که اقتصاد فقط بخشی از یک کشور است ولی مردم در تمام ارکان یک جامعه و کشور حضور دارند. اگر یک روز اقتصاد مانند ساعت درست و دقیق شود، بدون سرمایه اجتماعی و دست مردم؛ باز هم شرایط تغییر چندانی نمی‌کند. بحث کاهش سرمایه اجتماعی موضوع یکی دو سال اخیر نیست اما رسیدن به شرایطی که احساس خطر کرده‌ایم و پس از آن کاسه چه کنم چه کنم دست گرفته‌ایم تا مشکل را حل کنیم؛ شروع توجه عمیق‌تر به بحث سرمایه اجتماعی بود. زمانی که مفاهیمی مانند سرمایه اجتماعی در سطح جامعه مطرح می‌شود، کارشناسان این حوزه به دو دسته موافق و مخالف تقسیم می‌شوند. در مورد سرمایه اجتماعی هر دو دسته توافق نظر دارند که سال‌های قبل سرمایه اجتماعی بالایی داشتیم. اینکه الان وضعیت سرمایه اجتماعی تا چه حد وخیم است و برای آن چه باید کرد؛ محل اختلاف است. علت اختلاف این است که مسأله سرمایه اجتماعی بعضاً در جامعه آسیب‌شناسی نشده است. قدم اول در آسیب‌شناسی، ارائه تعریف صحیح و دقیق از آن است خصوصاً در مواردی مانند این موضوع که نمونه عینی ندارد. بنابراین ما باید بدانیم در مورد چه موضوعی حرف می‌زنیم. قدم بعدی روشن کردن شاخص‌های اندازه‌گیری آن است. در حال حاضر به کدام نشانه و آمار کشور نگاه کنیم تا ما را در فهم میزان سرمایه اجتماعی کمک کند؟ راه‌پیمایی‌ها و حضور مردم در صحنه را ملاک قرار دهیم یا نرخ بیکاری و درآمد سرانه یا عوامل فرهنگی؟ نقطه اختلاف و تشکیک در بحث سرمایه اجتماعی جامعه ما به دلیل روشن نبودن همین مسائل هنوز به مرحله راه حل نرسیده است. بدون راه‌حلی برای افزایش سرمایه اجتماعی نمی‌توان انتظار داشت تا با کاهش قیمت خودرو و دلار و امثالهم تغییری در زندگی مردم ایجاد شود. پرونده‌ای که خواهید خواند راجع به این موضوعات است و سیر حرف‌های این پرونده از تعریف و ریشه‌یابی مفهوم سرمایه اجتماعی شروع می‌شود و به بحث اعتماد می‌رسد. پاسخ به این سؤال که اعتماد مردم چه ربطی به اقتصاد دارند و اینکه موضوع تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی چه مؤلفه‌هایی دارند را نیز در این پرونده بررسی کرده‌ایم.